

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قانون شوراهاى حل اختلاف

مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی

به همراه:

آیین نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۵

قانون شوراهاى حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴



کاری از گروه پژوهش و گردآوری پایگاه خبری اخبار

سیاوش هوشیار



دفتر دادبازار

www.dadbazar.com

چاپ اول - تهران ۱۴۰۲



برای تهیه کتاب
اینجا کلیک کنید

قانون شوراهای حل اختلاف

مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی

فصل اول - ساختار و تشکیلات

ماده ۱- به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، زیر نظر قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردند.

ماده ۲- برنامه‌ریزی و راهبری شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «مرکز» نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد.

تبصره - مرکز زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره می‌شود و رئیس مرکز با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

ماده ۳- حوزه فعالیت شوراهای تابع حوزه قضائی بخش یا شهرستان مربوط است.^۱

تبصره ۱- شعب شوراهای حل اختلاف در شهرها و در صورت لزوم در مراکز

^۱ تبصره ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی): «حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.»



به‌عنوان دادگاه صلح^۳ تعیین کند.^۴

در حوزه قضائی بخش، وظایف و اختیارات و صلاحیت‌های دادگاه صلح می‌تواند بر عهده دادگاه بخش باشد که بر اساس احکام این قانون رسیدگی می‌کند.

ریاست و نظارت دادگاه‌های صلح و شوراهای حل اختلاف در استان بر اساس آیین‌نامه ماده (۴۰) این قانون^۵ تعیین می‌شود.

ماده ۵- هر شعبه شورا دارای رئیس، یک نفر عضو اصلی و حسب مورد یک نفر عضو علی‌البدل است که جلسات شورا با حضور دو نفر رسمیت می‌یابد.

تبصره ۱- در هر حوزه قضائی حسب مورد تعدادی عضو علی‌البدل

^۳ در نظام حقوقی سابق ایران، به موجب «قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی» مصوب ۱۲۹۰ نهادی با عنوان «محاکم صلحیه» وجود داشته است، که نباید با نهاد جدیدالتاسیس به موجب قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲ اشتباه بشود.

^۴ طبق ماده ۳۶ همین قانون، تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح، به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ رسیدگی می‌شود.

مفهوم آن این است که تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح در هر حوزه قضائی، شوراهای حل اختلاف آن حوزه، در محدوده مقرر در ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ صلاحیت رسیدگی خواهند داشت و سایر موارد داخل در صلاحیت دادگاه صلح که خارج از محدوده مذکور است حسب مورد در دادسرا یا دادگاه عمومی حقوقی یا کیفری رسیدگی خواهند شد.

^۵ آیین‌نامه مذکور تا این تاریخ به تصویب نرسیده است.

توانمندی، سوابق همکاری، تخصص، مدرک تحصیلی و حسن رفتار در آیین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد^۶، تعیین می‌شود.

تبصره ۱- قوه قضائیه می‌تواند افرادی را که به موجب این قانون استخدام می‌شوند، هم‌زمان در شعب دادگاه‌های صلح و همچنین شعب شوراها به جای کارکنان فعلی شوراها به کارگیری نماید.

تبصره ۲- سوابق اشتغال در شورا به حداکثر سن قانونی اضافه می‌شود.

تبصره ۳- منابع مالی مورد نیاز برای استخدام موضوع این ماده، از محل اعتبارات مصوب مرکز و همچنین از محل درآمدهای اختصاصی موضوع ماده (۳۸) و افزایش درآمدهای حاصل از اجرای مواد (۱۲)، (۱۴) و (۱۹) و کاهش هزینه‌های موضوع ماده (۵) این قانون تأمین می‌شود.

تبصره ۴- دولت مکلف است شناسه استخدام اشخاص موضوع این ماده را در اختیار قوه قضائیه قرار دهد.

تبصره ۵- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون عضویت جدید در شورا؛ افتخاری، داوطلبانه و تبرعی بوده و هرگونه استخدام و به‌کارگیری اعضای جدید تحت هر عنوان در شوراها و پرداخت هرگونه

^۶ آیین‌نامه مذکور تا این تاریخ به تصویب نرسیده است.



حقوق اجتماعی^۸

۱۰- متأهل بودن

۱۱- داشتن شرایط مذکور در بند (ز) ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ با اصلاحات و الحاقات

^۸ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضایی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

تبصره ۲- در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت های فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.»



اجاره‌بها^{۱۳} به‌جز دعاوی مربوط به سرقت‌فلی و حق کسب یا پیشه یا تجارت

۵- اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.^{۱۴}

۶- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن

۷- تأمین دلیل

۸- تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی

۱۳ ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶: «موجر یا مستأجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره‌بها را بنماید، مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستأجر از عین مستأجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره‌بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.»

۱۴ از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳:

ماده ۶- «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.

تبصره- عدم قابلیت دسترسی به مال در حکم نداشتن مال است. اثبات عدم قابلیت دسترسی به مال برعهده مدیون است.»

ماده ۱۳- «دعوی اعسار در مورد محکوم‌به در دادگاه نخستین رسیدگی‌کننده به دعوی اصلی یا دادگاه صادرکننده اجرائیه و به طرفیت محکوم له اقامه می‌شود.»



آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری

مصوب ۱۳۹۵/۷/۲۸ هیأت وزیران^{۲۳}

ماده ۱- در این آیین‌نامه، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف- میانجی‌گری: فرایندی که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجی‌گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌گردد.

ب- میانجی‌گر: شورای حل اختلاف، شخص یا مؤسسه‌ای که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌نماید.

پ- جرم: جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است.

ت- مؤسسه میانجی‌گر: مؤسسه‌ای که طبق قوانین و مقررات

^{۲۳} هیأت وزیران در جلسه ۲۸/۷/۱۳۹۵ به پیشنهاد شماره ۲۱۴۶۱/۰۱/۹۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۶ وزارت دادگستری و با تأیید رئیس قوه قضاییه و به استناد ماده (۸۴) قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - با اصلاحات بعدی، آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری را تصویب کرد.

میانجی‌گری ارجاع دهد. در این صورت مسئول مؤسسه مزبور در قبال امر میانجی‌گری به قاضی مربوط پاسخگو می‌باشد.

ماده ۹- فهرستی از اشخاص واجد صلاحیت میانجی‌گری در هر حوزه قضایی صرفاً جهت معرفی به طرفین توسط رئیس حوزه قضایی محل تهیه می‌گردد. وجود این فهرست مانع از ارجاع میانجی‌گری به سایرین نمی‌باشد.

ماده ۱۰- احراز صلاحیت میانجی‌گر پس از توافق طرفین با مقام قضایی رسیدگی‌کننده می‌باشد. میانجی‌گرها باید از میان کسانی انتخاب شوند که دارای شرایط زیر باشند:

الف- وثاقت

ب- تابعیت جمهوری اسلامی ایران برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایرانی

پ- فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری^{۲۴}

ت- حداقل (۲۵) سال تمام شمسی

ماده ۱۱- مؤسسه‌ای می‌تواند به امر میانجی‌گری بپردازد که دارای شرایط زیر باشد:

^{۲۴} درباره « محکومیت مؤثر کیفری » ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در زیرنویس ۸ صفحه ۱۰ همین کتاب ببینید.



قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۳۹۴) ۲۷

ماده ۱- به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده می‌شوند، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد.

تبصره- تعیین محدوده فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضایی به عهده رئیس همان حوزه قضایی می‌باشد.

ماده ۲- شوراهای حل اختلاف در شهرها و در صورت لزوم در روستاها به تعداد لازم تشکیل می‌گردد.

تبصره- رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد.

ماده ۳- هر شورا دارای رئیس، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل است و در صورت نیاز می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای مسؤول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضایی مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی‌ربط وی صادر می‌شود.

۲۷ «قانون شوراهای حل اختلاف» مصوب ۱۳۹۴ به موجب ماده ۴۱ «قانون شوراهای حل اختلاف» مصوب ۱۴۰۲ نسخ صریح شده است، با این حال به موجب ماده ۳۶ قانون اخیر الذکر تا زمان تشکیل دادگاه‌های صلح مقرر در ماده ۴ قانون، به دعاوی و شکایات مطابق قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی رسیدگی می‌شود.